



کار آنها در ابعاد جهانی اهمیت پیدا کرده است.

مادر ایران دانشمندانی فهمیده و بزرگ داریم که می‌توانند و باید در مرزهای علم و فناوری قدم بگذارند و قلم بزنند اما باید بیندیشیم که از چه راهی و با چه زادراه و توشه‌ای قصد مرزهای دانش می‌کنیم. سپاهی که به مرزها می‌رود، باید پشتوانه و قوتی در مرکز داشته باشد و اگر کارها در مرکز بی‌نظم و پریشان و بی‌هدف باشد، سپاه علم به مرزها نمی‌رسد. دانشمندان اگر حاصل پژوهش و آموزش خود را در پیشرفت و آبادانی و توسعه کشور نبینند، فعالیت مؤثری در مرزهای دانش نخواهند داشت. همین‌طور اگر مردم، اثربخشی علم و دانشمندان خود را در مسائل خود نبینند و خبری از علم و پژوهش و دانشگاه در درمان و خودروسازی و اقتصاد و... نباشد، ارزشی برای فعالیت‌های مرز علم قائل نخواهند بود. ان‌شاءالله در آینده شاهد اراده و برنامه‌ای جدی‌تر برای استفاده از استعداد و توانایی‌های داخلی و در حل مسائل کشور باشیم و

ادعا این است که اگر علم و فناوری در تمدنی تاریخ داشته باشد، به این معنی که سرچشمه و سرآغازی برای شروع آن و همچنین چشم‌اندازی برای آینده آن پیش چشم دانشمند قرار بگیرد، حتی اشتباه‌ها نیز در مسیر آن نتیجه‌بخش و درس‌آموز هستند و اگر علم و فناوری در جایی بی‌تاریخ باشد، حتی کارهای صحیح و انجام درست روش‌های علمی نیز کمکی به پیشرفت علم و فناوری نخواهد کرد.

علم و فناوری در چه زمانی تاریخ دارد و شرایط حضور شرافتمندانه، واقعی و پیوسته در رشد علم بشری و فعالیت‌های علمی جهانی و پژوهش‌ها و فعالیت‌های نوآورو به اصطلاح لبه علم چیست؟ در یک کلام باید گفت که «سکنی گزیدن»، انسان‌ها چون اهل دل بستن و سکنی گزیدن هستند، می‌توانند بسازند.

درست است که محتوای علم (نگاه تماشاگرانه) و فناوری جهانی است و مثلاً درس مکانیک سیالات در ایران و ژاپن یک محتوا دارد اما فرم علم و فناوری (نگاه بازیگرانه) محلی است و با سکنی گزیدن در آب‌وخاک و چشیدن مسائل محلی با تجربه جان دانشمندان و اهالی فناوری، امکان تاریخ داشتن علم و فناوری مهیا می‌شود؛ به عبارت دیگر ما وقتی جایی را خانه خود می‌دانیم و در آنجا حس سکونت یا سکینه داریم، می‌توانیم به ساختن و بهبود آن فکر کنیم و اگر در بهترین ساختمان دنیا یا هتل باشیم و این مکان را موقتی حس کنیم یا در حسرت جایی دیگر یا بهتر قرار بگیریم، بسیار سخت می‌توانیم به سرزنده و سالم نگاه‌داشتن آن بنا فکر کنیم و پس از مدتی این مکان با تمام امکان‌ها و استعدادهایش مخروبه می‌شود.

اینجا خوب است به ضرب‌المثل دوم توجه کنیم و بگوییم که گویی در تجربه‌های مهم ما از انسان‌های بزرگ و فعالیت‌های مهم در مسیر پیشرفت و توسعه کشور، این افراد طبق فهم و توانایی محلی (اینجا و اکنون خود) عمل کرده‌اند و سپس

”

امروزه و با بیشتر شدن دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، بسیاری از متفکرین علم و فناوری میان مقام دانشمندی، مقام پژوهشگری و البته کارمندان علمی تفاوت و تمایز قائل می‌شوند. دانشمندی، بی‌وطن نیست و با سکنی گزیدن در بوم خود، راهی به مرزهای دانش پیدا می‌کند